

## «را»ی روایت و سبک شخصی گلستان

دکتر غلامرضا مستعلی پارسا<sup>۱</sup>، حامد بشیری زیرمانلو<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۷/۱۰

تاریخ پذیرش قطعی: ۸۸/۹/۲۳

### چکیده:

اولین کارهای سبک‌شناسانه در حوزه ادبیات فارسی با رویکرد سبک دوره آغاز شد و این گرایش حتی بعد از معرفی شدن شاخه‌های گوناگون دیگر در این علم، هنوز بقوت خود باقیست. ما در این مقاله با دوری از سنت مرسوم به سراغ سبک شخصی سعدی در گلستان رفته‌ایم و قصدمان تبیین مختصه‌ای از مختصات خاص در این اثر بوده تا گوشه‌ای از سبک شخصی او را بنمایانیم. حاصل این تلاش گونه‌ای از کاربرد «را» بود که ما آن را «را»ی روایت نامیده‌ایم و تا به امروز در هیچ منبعی اعم از سبک‌شناسی، دستور تاریخی یا دیگر حوزه‌های مربوط، سخنی از این نوع کارکرد «را» بمیان نیامده است.

### کلمات کلیدی:

سبک شخصی، «را»ی روایت، گلستان، انواع را، دستور تاریخی.

---

۱ - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

Parsa20@gmail.com

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

Hbashiri63@gmail.com

#### مقدمه :

پس از چند دهه بررسی سبک‌شناسی دوره‌ای نظم فارسی ، اینک هنگام آن فرا رسیده که با بررسی دقیق متون ادبی ، ویژگیهای سبکهای فردی شاعران نیز مورد توجه قرار گیرند، این ویژگیهای سبکی فردی در یکی از حوزه‌های زبانی یا ادبی یا فکری قرار میگیرند . ما در این مقاله یکی از ویژگیهای فردی سبک گلستان را در حوزه «زبانی» بررسی میکنیم و آن استفاده از نوع خاصی از «را» میباشد که در متون دیگر سابقه ندارد .

#### تعریف سبک شناسی

«درضمن مطالعه آثار یک دوره (سبک دوره) ممکن است با شاعر یا نویسنده‌ای برخورد کنیم که آثار او نسبت به همعصران خود یعنی آثار دیگر آن دوره ، متمایز باشد.

در اینگونه آثار معمولاً علاوه بر مختصات کلی مشترک فکری ، زبانی و ادبی عصر، مختصات ویژه‌ای هم به چشم میخورد که فقط مربوط به شاعر یا نویسنده خاصی است و نهایتاً آن اثر ادبی را از هر اثر ادبی دیگری مشخص میکند. به اصطلاح اثر برخی از نویسندگان امضادار یا چهره دارست، ظنین مخصوص بخود دارد، میگوئیم سبک خاص خود را دارد، سبک شخصی دارد»<sup>۱</sup>.

برای یافتن مختصه یا مختصات خاص سبکی در گلستان ، اثر مذکور را با آثار قبل و بعد از خود مورد مقایسه و سنجش قرار دادیم، در این بررسیها یکی از موارد متمایز کارکردهای انواع «را»، گونه‌گونی آنها و فراوانی بکارگیری «را» در گلستان بود که ما را بر آن داشت تا جامعه‌ای آماری در متن کتاب تعریف کنیم و پس از آن به بررسی موارد یاد شده بپردازیم. جامعه آماری ما از ابتدای حکایات تا انتهای جمله سوم هر حکایت بوده است و نتیجه حاصل از آن بشرح زیر میباشد:

- «را» بجای حرف اضافه «از» نوزده مورد مثال : اسکندر رومی را پرسیدند دیار مشرق و مغرب...<sup>۲</sup>

- «را» بجای حرف اضافه «برای» بیست و چهار مورد مثال: یکی را از ملوک کنیزکی چینی آوردند.<sup>۳</sup>

۱ - کلیات سبک شناسی ، ص ۷۴

۲ - گلستان ، ص ۵۲

۳ - گلستان ، ص ۵۱

«رای» روایت و سبک شخصی گلستان / ۳

- «را» بجای حرف اضافه «به» بیست و یک مورد. مثال: یکی از بزرگان گفت پارسایی را چه گویی اندر حق فلان عابد...<sup>۱</sup>
- «رای» فک اضافه سیزده مورد. مثال: یکی را دل از دست رفته بود<sup>۲</sup>
- «رای» بعد از مسند الیه دوازده مورد. مثال: یکی را از ملوک مرضی هایل بود<sup>۳</sup>
- «رای» نشانه مفعول سی و پنج مورد. مثال: درویشی را دیدم سر بر آستان...<sup>۴</sup>
- «رای» روایت شانزده مورد. مثال: عابدی را حکایت کنند که شبی ده من طعام بخوردی<sup>۵</sup>
- «رای» نشانه مالکیت پنج مورد. مثال: گویند خواجه‌ای را بنده‌ای نادر الحسن بود<sup>۶</sup>

### درباره «را»

«را» در پهلوی «رای» است و زیاد مورد استعمال ندارد و غالباً به معنی «برای» که ترکیبی است از «به» و «رای» آمده است.

مثال از اندرز آباد: «شرم و ننگ بد را روان به دوزخ مسپار- فقره «۹۵» یعنی برای شرم و نام و ننگ خود را مستحق دوزخ مکن.<sup>۷</sup>

«را»، جزو حروف اضافه بشمار میرود. موارد استعمال این کلمه در فارسی دری بسیار مختلف و متعدد است، که بعضی از آنها را میتوان به یکی از گویشهای محلی منسوب دانست و بعضی دیگر استعمال عام بوده است.<sup>۸</sup>

۱ - گلستان ، ص ۵۳

۲ - همان ، ص ۱۲۳

۳ - همان ، ص ۳۸ این نوع «را» فقط با تعویض فعل امکان حذف شدن دارد، مانند: یکی از ملوک مرضی هایل داشت.

۴ - همان ، ص ۵۳

۵ - همان ، ص ۶۶ لازم بذکرست که این نوع را ، فقط در اوایل حکایات وجود دارد.

۶ - همان ، ص ۱۲۱

۷ - سبک شناسی نثر ، ص ۴۱۷

۸ - دستور تاریخی زبان فارسی ، ص ۳۸۴

## انواع «را»

الف- «رای بعد از نهاد جمله (که بنظر ما به دو نوع قابل تقسیم است):

- نوح را نخست که به کشتی اندر نشست از کوفه نشست.

گونه نخست همانست که در مثالهای منبع مورد نظر آورده شده و گونه بعدی «را»یی است که در مثال زیر وجود دارد.

- عالمی معتبر را با یکی از ملاحظه مناظره افتاد.<sup>۱</sup>

تفاوت این دو نوع «رای بعد از مسندالیه اینست که اولی قابل حذفست و در صورت حذف شدن، جمله دچار خلل و ضعف نمیشود ولی در مورد دوم، این کار جمله را نارسا میکند از این رو چنین تفکیکی را بین این دو قابل شدیم.<sup>۲</sup>

ب- «رای» نشانه مفعول:

گاهی در گلستان، مفعول بدون «را» ذکر شده است، گاهی نیز مکان رای نشانه مفعول تغییر میکند، بعبارت دیگر حالت لغزنده دارد.<sup>۳</sup>

- یکی را از بزرگان به محفلی اندر همی ستودند. (به جای یکی از بزرگان را...)<sup>۴</sup>

ج- «را» گاهی در جمله‌ای که فعل آن مجهول است می‌آید.

زنها را تا این حدیث را بر دلیری و بی حرمتی حمل فرموده نیاید.

د- «را» به عنوان فک اضافه

- یکی را دل از دست رفته بود.

ه- «رای اختصاص

- بدو گفت پردخته کن سرز باد که جز مرگ را کس ز مادر نزاد<sup>۵</sup>

۱ - گلستان، ص ۱۱۴

۲ - برای مطالعه بیشتر رک، دستور تاریخی، خانلری، ص ۲۴۸

۳ - غلط نویسیم، ص ۲۵۶

۴ - اینجا باید یادآوری کرد که «رای مفعولی در گلستان به هیچ وجه نشانه عهد ذهنی نیست تا بتوان آن را علامت معرفه

دانست چرا که در تمامی موارد نشانه‌های یکی-ی مفعول را نکره میکنند. رک، دستور مفصل امروز، ص ۱۹۰

۵ - دستور زبان (حروف اضافه و ربط)، ص ۲۸۵

- منت خدای را عز وجل که ...<sup>۱</sup>
- و- مترادف بای قسم
- به خنده گفت که حافظ خدای را میسند که بوسه تو رخ ماه را بیالاید<sup>۲</sup>
- ز- «را»ی بیان سبب و علت
- بر زمین مسجد نیفکندی ، حفظ حرمت را<sup>۳</sup>
- ح- «را» به معنی بقصد و بمنظور
- چهار پیر با خود آوردم رای و تدبیر را .<sup>۴</sup>
- ت- را بجای حروف اضافه (از ، به ، برای ) و مانند آنها
- یکی را از ملوک کنیزکی چینی آوردند
- هرمز را گفتند وزیران پدر را چه خطا دیدی .<sup>۵</sup>
- ی- «را»ی زاید
- شب را در بوستان با یکی از دوستان اتفاق ممیت افتاد<sup>۶</sup>
- فردا را خدمت میرسیم .<sup>۷</sup>
- البته این نوع «را» نشانه قید هم خوانده شده زیرا همیشه بعد از قید زمان استفاده میشود. در مورد این نوع «را» نظرات دیگری نیز وجود دارد.<sup>۸</sup>
- ک - «را»ی نشانه وجه مصدری
- او را بر منظر باید نشست<sup>۹</sup>
- ل- در بعضی از موارد هر گاه جمله متضمن بدل باشد کلمه «را» تکرار میشود

---

۱ - گلستان خطیب رهبر، ص ۱

۲ - دستور زبان، ص ۲۸۶

۳ - دستور تاریخی زبان، ص ۳۸۵

۴ - همان ، ص ۳۸۶

۵ - گلستان ، ص ۲۳

۶ - همان ، ص ۷

۷ - سبک شناسی نثر، ص ۴۰۰

۸ - رک، کلیات سبک شناسی

۹ - همان ، ص ۳۲۲

- برادر خویش را عمرو بن الیث را ، ولیعهد کرد  
م - فعل «بودن» با حرف را معادل فعل داشتن استفاده میشود  
- فرعون را مسخره ای بود نام او شمردل<sup>۱</sup>  
ن - «را»ی زاید که بعد از ( از برای) و ( از بهر) میآید و حکم حرف اضافه مضاعف را دارد  
- دنیا را بگیر از برای تن را و خدا را بگیر از برای دل را<sup>۲</sup>.  
از انواع گونه‌های «را» که در این بخش معرفی شدند گونه‌های (ج-ک-ل و ن) را در جامعه آماری انتخاب شده از گلستان نیافتیم ولی اینکه آیا اصلاً این چهار نوع «را»، در گلستان کارکرد یافته‌اند یا نیاز بررسی تمام متن گلستان دارد .

### معرفی و تحلیل نمونه‌هایی از «را»ی روایت

«را»ی روایت گونه‌ای از انواع «را» در دستور تاریخی است که ویژگی خاص کتاب گلستان میباشد، ساختار و کارکرد این نوع «را» اینگونه است که نظم جمله پایه و پیرو را بهم میزند و با دو پاره کردن جمله پیرو، پاره اول را به قبل از جمله پایه انتقال میدهد.<sup>۳</sup> اینک نمونه‌هایی از اینگونه «را» و نشان دادن نحوه عملکرد آن :

- مشت زنی را حکایت کنند که از دهر مخالف بفرغان آمده...

- حکایت کنند که مشت زنی از دهر مخالف بفرغان آمده...

جمله پایه : حکایت کنند

حرف ربط: که

جمله پیرو: مشت زنی از دهر مخالف بفرغان آمده...

- درویشی را شنیدم که به غاری در نشسته بود ...

شنیدم که درویشی به غاری در نشسته بود

جمله پایه: شنیدم

۱- دستور تاریخی زبان فارسی ، ص ۳۸۶

۲- همان ، ص ۳۸۶

۳- برای جمله پایه و پیرو، رک. دستور مفصل، ص ۱۲۱-۱۲۲

حرف ربط: که

جمله پیرو: به غاری در نشسته بود

- یکی از ملوک عرب را شنیدم که متعلقان را همی گفت...

- شنیدم که یکی از ملوک عرب متعلقان را همی گفت...

جمله پایه : شنیدم

حرف ربط: که

جمله پیرو: که یکی از ملوک عرب متعلقان را همی گفت ...

و از همین گونه است «را» در جملات زیر

- مردم آزاری را حکایت کنند که سنگی بر سر صالحی زد<sup>۱</sup>

- قاضی همدان را حکایت کنند که با نعلبند پسری سر خوش بود

- یکی را شنیدم از پیران مربی که مرید را همی گفت

- مالدار را شنیدم که بیخ چنان معروف بود که ...

- ظالمی را حکایت کنند که هیزم درویشان خریدی ...

- ملک زاده ای را شنیدم که کوتاه بود و حقیر ...

- درویشی را شنیدم که در آتش فاقه میسوخت...

- غافل را شنیدم که خانه رعیت خراب کردی....

- یکی از ملوک را شنیدم که شبی را در عشرت روز کرده بود...

- عابدی را حکایت کنند که شبی ده من طعام بخوردی....

- گدایی هول را حکایت کنند که نعمتی وافر...

نکته جالب توجه اینست که در حکایت اول از باب اول گلستان جمله به این صورت است

که (پادشاهی را شنیدم به کشتن اسیری اشارت کرد)<sup>۲</sup> و چون این مورد دارای «را»ی

روایت بود و در تمام موارد بررسی شده در کتاب هیچگاه این نوع «را» موجب حذف

حرف ربط نشده و این مورد بنظر ما استثنا مینمود، پس بر آن شدیم که به نسخه بدلهای

---

۱ - گلستان ، به ترتیب صفحات ۳۷ ۱۳۷ ۱۵۶ ۹۹ ۴۲ ۱۵ ۸۸ ۳۶ ۲۶ ۶۶ ۹۸ ۹۸

۲ - گلستان ، ص ۱۳

کتاب گلستان مراجعه کنیم و با این مراجعه شاهد بودیم که جمله با حرف ربط نیز ضبط شده است و این شکل را از میان مصححان معاصر گلستان، دکتر غلامحسین یوسفی درست پنداشته‌اند و این ویژگی سبک شخصی، میتواند مدرکی نیز باشد برای اثبات معرفت لحن مصحح یاد شده و درستی ضبط ایشان. گفتنی است که ما این نوع از کارکرد «را» را فقط منحصر به گلستان میدانیم و برآنیم که این کارکرد با چنین بسامدی خاص این کتاب است و از آن، بیشتر در اوایل حکایات بهره گرفته شده است.

#### نتیجه

در این مقاله «را»ی روایت در گلستان بعنوان یک ویژگی خاص معرفی شد و کارکرد آن با تمام انواع دیگر از «را» مورد سنجش قرار گرفت و نیز در راستای نشان دادن کاربرد علم سبک شناسی فردی در تصحیح هر چه دقیقتر متون یک نمونه از کاربرد این ویژگی را در تصحیح گلستان نشان دادیم.

#### منابع

- ۱- تاریخ زبان فارسی، پرویز ناتل خانلری، جلد سوم، چاپ دوم، تهران: نشر نو، ۱۳۶۶.
- ۲- دستور تاریخی زبان فارسی، پرویز ناتل خانلری، چاپ اول، تهران: نشر توس، ۱۳۷۲.
- ۳- دستور مفصل امروز، خسرو فرشید ورد، چاپ اول، تهران: نشر سخن، ۱۳۸۲.
- ۴- دستور زبان (حروف اضافه و ربط)، خلیل خطیب رهبر، چاپ سوم، تهران: نشر مهتاب، ۱۳۷۲.
- ۵- سبک شناسی نثر، محمد تقی بهار، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: زوار، ۱۳۸۶.
- ۶- غلط نویسیم، ابوالحسن، نجفی، چاپ یازدهم، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.
- ۷- کلیات سبک شناسی، سیروس شمیسا، چاپ نخست از ویرایش دوم، تهران: نشر میترا، ۱۳۸۴.
- ۸- گلستان، خلیل خطیب رهبر، تهران: نشر صفی علیشاه، ۱۳۸۴.
- ۹- گلستان سعدی، سعدی مصلح ابن عبدالله، مصحح محمد علی فروغی، چاپ چهارم، تهران: اندیشه کهن، ۱۳۸۶.
- ۱۰- گلستان، غلامحسین یوسفی، تهران: نشر خوارزمی، ۱۳۶۸.
- ۱۱- مقامات حمیدی، حمیدالدین بلخی، به تصحیح رضا انزابی نژاد، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵.